

نابود باد امپریالیسم جهانی
بسرکزدگی امپریالیسم امپریکا
و پایگده داخلیش



کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

بامی‌استار

شماره ۲۷

دی ۱ بهمن ۱۳۱۲

نشریه هواداران سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران
سیستان و بلوچستان

۱۴ صفحه

قیام شکوهمند زحمتکشان را

پاس میداریم!

دیکتاتور مخوف و شب پرست خون آشام اظهار داشت که هر کس نمی‌خواهد در حزب‌شده ساخته و هویدا پرداخته رستاخیز شرکت جوید می‌تواند کشور را ترک کند. قیام شکوهمند ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ نشان داد آنکه سزد اخراج خود را امضا کرده لاشه حور فرتوت و یارانش بودند که باید شر خود را از سر زحمتکشان کشورمان کم میکردند. این حکم شاه بوسیله خروش طوفان حتم روی هم انباشته شده از سالیان دراز کارگران و سایر زحمتکشان ایران را به اجرا درآمد. قیام پر جلال بهمن خواب خوش سرمایه‌داران را بهم ریخت و توده‌ها بر بنیادهای سرمایه‌داری یورش بردند. بقیه در صفحه ۱۱

قیام و بلوچستان

زحمتکشان بلوچ به قیام کش بر حرارتی نداشتند. روشن فکran بلوچ با اشتیاق تمام همکام سایر بیروهای مردمی حاکمهای کورمان بر علیه دیکتاتوری مخوف، یهلویان و رژیم سرمایه‌داری شاهنشاهی بمقابله برخاستند. مرکز ثقل این جنبش دانشگاه بلوچستان و آنگاه محیط دانش آموزی و کارمندی (بدین سبب که روش‌نکر بودند) بود. عدم گرایش شدید توده‌های بقیه در صفحه ۴

رعایت حق هال در تعیین سرنوشت

یا فریب هال؟

در صفحه ۵

سیاهکل نقطه عطف جنبش کمونیستی

گرامی باد:

غرض مسلهای فدائیان خلق سکوت را شکست، برخمودگی‌ها و رخوتها که سالیان دراز جنبش را می‌آزرد. پایان داد ۱۵ مرد سلحشور، پاک‌باخته و عاشق رهائی زحمتکشان از قیود ظلم و استثمار سرمایه، بر شک و تردید غلبه جستند، با حرکت خویش رعه بر اندام امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته در ایران انداختند. دشمنان آزادی و نگهبانان دیو دیکتاتوری یک‌بار دیگر به ناتوانی خود مبنی بر سرکوب خلق و انقلابیون واقف گشتند.

سیاهکل بمثابه نقطه عطف در جنبش‌چپ و تولد عنصر تاریخی - اجتماعی فدائی در تاریخ ایران ضربه‌ای جدی بر پیکر پیر و فرتوت اپورتونیسیم وارد آورد، رفقای ما با درک درست از ماهیت کثیف و خائنانه حزب توده و سابقه بقیه در صفحه ۱۱

کار را بخوانید

در این شماره

- * اخبار
- * سربازگیری و رژیم
- * گرامی باد خاطره
- * شهدای خلق
- * شعر بلوچی

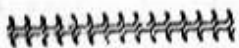
سوپین بیت بلوچ هلك چیرپه وت واجهی و آزاتی

سربازگیری و رژیم

بیش از سه سال از جنگ ارتجاعی بین دولت های ایران و عراق می گذرد، بیش از سه سال از کشتار و نابودی نیروی انسانی و منابع ثروت های اجتماعی بخاطر منافع سرمایه داران، تاکنون هزاران تن از طرفین در درگیریهای غیرعادلانه و ارتجاعی از بین رفته اند، میلیاردها تومان از پولی که باید صرف سازندگی مملکت و از بین بردن محرومیت های مناطق عقب مانده و صرف پیشرفت آنها میشد در کام غول جنگ ریخته شده است، بخاطر منافع سرمایه داران و حکومت های ارتجاعی دهها هزار کشته و دهها هزار معلول و میلیونها دلار خرج شده است، در این میان بازندگان واقعی توده های زحمتکش بوده و برندگان رژیم های ارتجاعی و بخصوص امپریالیسم جهانی سرکردگی امپریالیسم آمریکا. جمهوری اسلامی در پناه جنگ هر اعتراضی را بشدت سرکوب می نماید، توده ها را از مطرح نمودن خواسته های شان به بهانه جنگ باز می دارد، به بازسازی سرمایه داری غریبه دیده می پردازد، به امپریالیست ها نزدیک میشود، از اسرائیل، آمریکا و انگلستان اسلحه خریده و صنایع مونتاژ را ترمیم میکند.

اما این جنگ در نهایت رژیم جمهوری اسلام می را نیز فرو خواهد بلعید همیشه عمر رژیم ننگین جمهوری اسلامی بدست توده های زحمتکش خواهد شکست، گرچه در اوایل جنگ رژیم قادر شد احساسات خونبستی توده ها را برانگیزاند، اما بعد از گذشت سه سال اینک که توهمات مردم به رژیم فرو ریخته است اقدامات ضد خلقی و بویژه جنگ نیز برای توده ها و بالخصوص جوانان رغبت برانگیز نیست، مردم از عدم تمایل به نفرت رسیده اند، بطوریکه تمام تبلیغات رژیم برای دعوت جوانان به جنگ کارساز نیست، رژیم وادار گشته است که گروه های مخصوص سربازگیری را تشکیل دهد، بسیج و سپاه و زاندارم و پلیس همه در پی دستگیری جوانان و روانه

نمودن آنها به جبهه جنگ هستند، جوانان یا مخفی شده اند و یا از بلوچستان خارج شده اند، شرکت نکردن در جنگ ارتجاعی وظیفه اولیه همه جوانان است، اما ترک صحنه مبارزه نیز برای سرنگونی حکومت خمینی نافع نیست، جوانان باید بدانند تا این رژیم وجود دارد جنگ، نابودی و بی خانمانی وجود دارد، باید متحد و یکپارچه بدور سازمان های سیاسی گرد آیند، از آنها رهنمود برای متشکل شدن در کمیته های مخفی مقاومت را بگیرند، به جمع آوری اسلحه بپردازند، مزدوران رژیم و مکان های امن سران رژیم را شناسائی کنند، نقدهای نظامی مناسب طرح ریزی نموده و خود را برای یک مصاف با رژیم ننگین خمینی آماده کنند، باشد که رژیم جمهوری اسلامی را سرنگون کرده و جمهوری دمکراتیک خلق را بنا کنیم، تا تمام مصائب و بدبختیها و جنگ و نابودی به یکباره برای همیشه همراه سرمایه داران نابود گردد.



کمک های مالی دریافت شده

ریال ۵۰۰۰۰	رفیق شهید زین الدینی
ریال ۷۰۰۰۰	رفیق شهید نورانی
ریال ۱۷۵۰۰	سیامک - الف
ریال ۳۳۰۰۰	پرویز
ریال ۹۰۰۰	حیدر عمو اغلو
ریال ۳۳۰۰۰	رفقای کارگر
ریال ۳۳۰۰۰	رفیق شهید زین الدینی - الف و سائل شماره ۱۰
ریال ۲۷۰۰۰	رفقای کارگر - الف
ریال ۳۳۰۰۰	رفقای کارگر - الف و سائل شماره ۱۰ بدون کد

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

اخبار

منطقه

بهمن ماه - جکیگور :

يك تويوتای باربری بر از مواد غذایی پا کستانی مورد تعقیب ژاندارمری قرار میگیرد، راننده خودرو تلاش می‌ورزد تا از چنک ژاندار- مها در رود که با تیراندازی راندارمها مواجه میشود . در نتیجه تیراندازی یکی از زخمیگان با اسم داد محمد ، فرزند نعمت مورد اصابت گلوله قرار میگیرد و جان خود را از دست میدهد . راننده تویوتا نیز دستگیر میشود و وی را به سد . مرک شکنجه میدهند بدلیوری که در بیمارستان بستری است .

بهمن ماه - حکیکور :

يك موتور سوار در حال عبور با گنبت ژاندارمری مواجه میشود . ژاندارمها درسد بازرسی وی برمی‌آیند اما فرد مزبور به ژاندا- رمها اعلام میکند که من چیزی همراهم نیست . ژاندارمها بوی نزدیکتر میشوند ، نامبرده با اسلحه کمری دو تن از ژاندارمها را هدف قرار میدهد و اسلحه یکی از آنها را با خود میبرد .

میرمولاداد خائن برای خوش رقصی و نزدیکی با جمهوری اسلامی اسلحه را از فرد مزبور تحو- یل گرفته و به ژاندارمری تحویل میدهد .

جریانی بنام جنبش آزادیخواهان بلوچ در بهمن ماه بمناسبت ۲۲ بهمن اعلامیه‌ای صادر نموده که عین آنرا در ذیل نقل می‌کنیم .

"عملیات بمناسبت ۲۲ بهمن ماه"

جنبش آزادیخواهان بلوچ بمناسبت بزرگداشت قیام ۲۲ بهمن و خاطره تمام شهدای خلق که جان خود را در راه آزادی از دست داده‌اند ، اقدام به انجام يك عملیات موفق نظامی نموده که به قرار ذیل میباشد .

در تاریخ ۲۴ بهمن ماه ۱۳۶۲ ساعت ۹/۴۵ - دقیقه صبح در محلی با اسم هدار واقع در جاده - قصرقند - چابهار يك ستون پاسدار به کمین- افراد مسلح " جاب " می‌افتد . در يك چشم بهم

بقیه در صفحه ۴

زاهدان - دی ماه :

در محله زحمتکش نشین شهر زاهدان " بابا ثیان " زنان زحمتکش مجبورند ساعتها برای - گرفتن ارزاق در صفهای ارزاق بایستند در دی ماه بعلمت آمدن باران ، يك دیوار فرو می‌ریزد و سه زن زحمتکش جان خود را از دست میدهند ، این در شرایطی است که هیچکدام از مزدوران - رژیم و سرمایه‌داران بهیچ وجه برای گرفتن ارزاق در صفها نمی‌ایستند ، انبار خانه آنها در این کمبود شدید ارزاق پر از انواع و اقسا م خوراکیها است ، اما زحمتکشان برای گرفتن سه کیلو قند و يك کیلو روغن زیر آوار دیوار - های لرزان میمانند .

خاش :

در آذرماه گذشته یازده ژاندارم بوسیله گروهی قاچاق فروش در نزدیکی میرجاوه کشته میشوند ، در دی ماه پاسداران به تعقیب قاتلین می‌پردازند . اما ارتجاعیون چون دستشان به عاملین نمی‌رسد يك زحمتکش (ثیان) را که مشغول چرانندن گوسفندان بوده است دستگیر و در دم اعدام میکنند .

بهمن ماه :

کریم خان نظر زهی به اتفاق پاسداران ضد خلقی منطقه قصرقند ، چندین روستای آهوران را مورد تجاوز قرار میدهند ، يك روستا با اسم مشکونت را به محاصره درمی‌آورند به مردم و خانه‌ها تیراندازی می‌نمایند . در نتیجه به دو نفر از افراد محل بناهای گل محمد - دو گلوله و محمد چهار گلوله اصابت می‌نماید .

کمیته‌های مخفی مقاومت را باید در هر شهر و روستا ایجاد کنیم

اخبار...

بقیه از صفحه ۳

زدن رگبار نیروهای انقلاب بسوی آخرین خودروی پاسداران ارتجاع باریدن میگیرد . پرچم نصب شده به خودرو بهوا رفت و چهار پاسدار مورد اصابت گلوله قرار گرفته از بالای خودرو به زمین پرتاب شده در دم هلاک میشوند . هفت سرنشین دیگر کشته یا زخمی میشوند . دو خودرو جلویی با شتاب هرچه بیشتر فرار میکنند . غرض سلسلهای نیروهای جنبش نشان داد که رژیم در مقابل اراده خلق به چه میزان زبون و ناتوان است .

جنبش آزادیخواهان بلوچ از تمام نیروهای مردمی و شایستههای ترقی جهت درهم شکستن رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی دعوت بعمل می آورد تا همه متحداً بپا خیزیم مسلح شویم و جمهوری اسلام را اقل کنیم .

مرکز جمهوری اسلامی
برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق
حق ملل در تعیین سرنوشت خویش حق مسلم آنهاست

جنبش آزادیخواهان بلوچ

۲۸ بهمن ۶۲

اخیرا رژیم ساکان و کج اندیشان اقدام به شنیع ترین روشها در مورد رانندگی نموده اند . تا چندی پیش هرکسی بدون گواهینامه اقدام به رانندگی می نمود به پرداخت هزارها تومان جریمه توسط پلیس راه ، زندان مری ، پاسداران و حتی سببی ها محکوم میگردد ، بعد از آن گستاخی مزدوران رژیم بجائی رسید که افراد بدون گواهینامه را محکوم به شلاق می نمودند . در دی ماه پلیس راه یکی از زحمتکشان را که با رانندگی مخارج زن و بچه اش را در می آورد ، بجرم نداشتن گواهینامه بازداشت نموده و به شهر ایرانشهر جهت زدن شلاق می برند .

فرد زحمتکش به پلیس راه پیشنهاد می دهد ماشین مرا بردارید ولی بمن در انظار مردم شلاق

نزنید . من آبرو دارم . اما پلیس راه مزدور و حیوان ، مست خوش خدمتی به اربابان خود به فریادها و پیشنهاد زحمتکش وقعی نمی گذارد ، بالاخره راننده را جلوی انظار به شلاق می بندند دو روز بعد سر پلیس راه گوش تا گوش توسط زحمتکشان بلوچ بریده می شود ، این اقدام بلوچها وحشت به دل مزدوران می اندازد و از آن موقع تا کنون شلاق زدن مشاهده و گزارش نشده است .
بقیه در صفحه ۲

بازرسی اخبار

قیام ...

بقیه از صفحه ۱

در بند بلوچ به قیام علت تاریخی دارد . بعد از ادغام شدن قدرت محلی ملوک الطوایف در حکومت فتودالی رضاشاه قدرت مستقیم خانها و فتودالها تضعیف گشت و این قدرت تابع قدرت مرکزی گردید ، مالیات و بهره مالکانه تا حدود زیادی لغو گردید . زحمتکشان بلوچ به وضعیت جدید با دیده تردید مینگریستند و ارقام بالا نی به پاکستان کوچ نمودند ، زیرا از امنیت و خان به یک اندازه نفرت داشتند . بلوچها از نظر اقتصادی در بدترین شرایطی امرار معاش مینمودند . دهقانی و شبانی عمده روش معیشت آنها بود . فقر ، مسکنت ، بیسوادی ، بیماری از درهای بی دوا ی بلوچستان بود .

پهلوی دوم در بلوچستان دست به فرمایشی زد ، عده ای از بلوچها که توانسته بودند تحصیل کنند ، در دستگاه بورکراسی راه پیدا کردند . مولویها و سران طوایف و عشایر و فتودالها به حکومت وابسته شدند ، روشنفکران خود فروخته ای نیز تربیت گشته بودند ، این نیرو بمناب به مبلغین دستگاه سلطنت و بخصوص شخص شاه عمل میکرد . و به توهمات سلطنت طلبی دامن میزد . از سوی دیگر بعلمت عدم وجود بازار کار ، نیروی فعال و حاضر بکار از بلوچستان خارج و به کشورهای عربی مهاجرت کرد و عده ای نیز به کار خرید و فروش کالاهای قاچاق اشتغال داشتند ، این نیرو نیز از مبارزه بر علیه سلطنت بدور بود . ناگفته نماند که قاچاق —
بقیه در صفحه ۲

رعایت ...

بقیه از صفحه ۵

بلکه برای رهائی سایرین نیز مبارزه می کند ، ملیت کرد بمعنای واقعی زمانی طعم آزادی را خواهد چشید که سرمایه داری حاکم نابود شده و سایر ملیتها ایران نیز از قید ستم ملی آزاد گردند . ملیت بلوچ نیز به حق تعیین سرنوشت برسد ، ملیت عرب و ترکمن و ترک نیز ، این چگونه احقاق حقی خواهد بود که فقط ملیت کرد در جمهوری دمکراتیک اسلامی دارای خود - مختاری باشد و سایر ملیتها زیر ستم حتی در حرف و در همان قلعنا مه های بورژوازی از چنین حقی محروم باشند ؟ آیا خلق کرد که سالهاست زیر گلوله بارانها و اعدامهای دسته جمعی و قربانی دادن دلیرترین فرزندان خود میباشد ، راضی میشود که خودش خود مختار باشد و سایر همبندان وی هنوز در بند باشند ؟ خلق دلیر کرد برخلاف مجاهدین و لیبرالهای عوام فریب بهیچ رو حاضر به چنین ننگی نخواهد بود . چرا مجاهدین صحبتی از سایر ملیتها نمی کنند ؟

بورژوازی ماییت ستمگر و گرایش ناسیونالیستی - خونبستی نه تنها خواهان آزادی و جدائی و حق تعیین سرنوشت از سوی ملیت تحت ستم نیست و منافع اقتصادی و سیاسی وی چنین اجازه ای را نمی دهد ، بلکه خواهان ادامه آن است و زمانی تن به فرمایشی در این مورد میدهد که از وحشت رادیکال شدن آن ، بخود یلرزند . مجاهدین و شورای ملی مقاومت در اساس مخالف حق جدائی و حق تعیین سرنوشت هستند ، آنها از موضع پرولتری برسمیت شناختن حق جدائی و تشکیل دولت مستقل ملی حرکت نمی کنند ، نقطه حرکت آنها تمامیت ارضی بهر قیمتی می باشد . همانطور که ارتش برای ابقای آنها اهمیت حیاتی دارد ستمگری ملی نیز برای آنها حکم آب حیات را دارد . بورژوازی از این ستمگری مایه میگیرد ، به قدرت اقتصادی و سیاسی خود می افزاید . منافع بورژوازی در ستمی نهفته است که به طبقه کارگر و سایر زحمتکشان و ملیتها روا میدارد . به

هیچ رو حاضر نمیشود این منافع را از دست دهد . وقتی يك شكل بهره کشی و ستمگری فاقد ارزش شد آنها شکل دیگری را مطرح می سازند ، این طرح هر چه بی آزارتر باشد ، گوارا تر است و بدینگونه شورای ملی مقاومت حتی از مطرح نمودن حق تعیین سرنوشت برای سایر ملیتها هم ستمکش ایران آباء دارد و با قبول اینکه چنانچه کردها آلترناتیو حکومتی مطرح شده از سوی شورای ملی مقاومت را بپذیرند ، شورا هم تا حدودی گذشتهائی که برای بورژوازی و امپریالیسم در سراسر ایجاد نکنند در حق خلق بی اگاسته کرد میکنند ، تا سایر ملیتها را فریفته و آنها را با این طرح که آری ما به خلق کرد خود مختاری میدهیم ساکت کنند . اما شورای ملی مقاومت این آرزوهای پوچ را باید در رویا ببیند ، چرا که توده های زحمتکش ملیتها ی ایران به هیچ نیرویی چنین اجازه ای را نخواهد داد که برای آنها تکلیف تعیین کند . امروز زحمتکشان کشور ما ، توده های خاموش و ناآگاه دوران - پهلوی نیستند ، توده ها در تجربیات روزمره خود دریافته اند که دمکراسی چه معنی میدهد ؟ رفع ستم ملی چه معنی میدهد ؟ و زحمتکشان کرد نیز نباید چنین طرحی را که بشیوه ای - سوداگرانه مطرح میشود تا مسیر اصلی مبارزات آنها را بسوی جمهوری دمکراتیک خلق برهبری طبقه کارگر تغییر دهد بپذیرند .

طرح شورای ملی مقاومت
نقاسی مبارزات خلق کرد :

حزب پرولتاریا باید مقدم بر هر چیز ابزار ورزد که کلیه ملیتها ی ستمدیده از دولت وابسته به امپریالیسم که بزور تحت ستم قرار گرفته اند و جبرا در داخل حدود و ثغور کشور نگاه داشته شده اند ، آزادی کاملشان برای جدائی اعلام گردد و بیدرنك بس از کسب قدرت بموقع اجرا گذاشته شود . حزب پرولتری میکوشد نولت حتی المقدور بزرگتری بوجود آورد . زیرا این امر برای زحمتکشان سودمند

بقیه در صفحه ۹



قیام ...

بقیه از صفحه ۴

اخبار ...

بقیه از صفحه ۴

ایران

در زندان تبریز یکی از فرزندان دلار حلی را "با کارد سر بریدند"

ضحاك زمان خمینی خون‌آشام تمام شیوه‌های آریامهری شکنجه را آزموده و اینك جلادان در زندانها راههای تازه‌تری را برای شکنجه و ارباب تجربه میکنند. شلاق زدن، کشیدن ناموسوزاندن بدن زندانی با سیگار و آب جوش و الموم برقی، تیرباران، دار سنگسار و ... گویا دیگر کهنه شده است: جلادان رژیم ضد خلقی در زندان تبریز برای درهم شکستن روحیه مقاوم و انقلابی زندانیان، مبارزی بنام "اکبر چوپانی" را در حضور زندانیان با کارد سر بریدند.

هم میهنان مبارز و آگاه! این اوج تفاوت و وحشی‌گری جمهوری اسلامی، در عین حال نشان‌دهنده درماندگی رژیم است که در شعار دم از آزادی می‌زند!! در حالیکه فقط این تجار و سرمایه‌داران هستند که آزادند تا قیمتها را بالا ببرند و جیبهای خود را پرتر کنند.

آری، کارد جلادان جمهوری اسلامی تنها گردن فرزندان کمونیست و انقلابیون مبارز را میبرد و بر گردن کلفت تجار و سرمایه‌داران برندگی ندارد!

کارگران و زحمتکشان! برای دفاع از زندان‌نیان سیاسی، برای جلوگیری از کشتار و شکنجه متحد شوید و به هر شکل ممکن در اعتراض به این جنایات همصدا شوید و با هر وسیله ممکن جنایات رژیم را افشا کنید.

مرک بر مزدوران شکنجه‌گر و قاتل
مرک بر رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی
کمیته کارگری تبریز - سازمان چریکهای فدایی
خلق ایران ۱۳۶۲ / ۲ / ۱۲

بقیه در صفحه ۸

فروشان عمده در ردیف سلطنت‌طلبان و شاه‌پرستان قرار داشتند. روشنفکران آگاه و انقلابی به تعداد انگشتان دست و شاید هم کمتر و نیروهای چپ و کمونیست اصلاً وجود نداشتند. نیرویی که اندیشه‌های دمکراتیک و ضد سلطنت و بطور اخص ضد سرمایه‌داری را دامن بزند، تولید نیافته بود. رهبری مذهبی شیعه اثناعشری و ولایت فقیه نیز با روینای نهی توده‌های بلوچ مغایرت داشت و جنبشی که رهبری آن درید آخوندها بود برای بلوچها قابل پذیرش نبود. با چنین شرایطی بلوچستان وارد مقلع قیام می‌گردد. و بدین علتها است که زحمتکشان بلوچ در عین حالی که از شاه حمایت نمی‌کردند، به خمینی نیز رغبتی نداشتند.

عده‌ای از جوانان بلوچ به دانشگاه‌های ایران وارد گشته و در بلوچستان نیز یک دانشگاه و یک دانشسرای عالی و چندین موسسه عالی افتتاح گشته بود. نطفه اندیشه‌های مترقی در این گاونها بسته میشود و از اینجا ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم منتشر میگردد و آنها بسرعتی فوق‌العاده، نیروهای خرده‌بورژوازی زیادی به جنبش روی می‌آورند تا جائیکه طرفدار سازمان چریکهای فدایی خلق شدن بسبب طبع تحصیل کرده‌ها و روشنفکران میگردد.

گرایش بسوی چپ بعد از قیام سرعت میگیرد و بخش عظیمی از دانش‌آموزان، معلمان، کارمندان، به جنبش انقلابی روی می‌آوردند. آنها هنوز بسا خصوصیات خرده بورژوازی و حتی عنایری مدعی مارکسیسم شده بودند. جنبش کمونیستی در بلوچستان در شرایطی دمکراتیک پا گرفت، فرزندان نامشروع مارکسیسم یعنی دیدگاه، سه جهان و پیروان شرمگین آن پیکاریها نیز با علم نمودن شوروی امپریالیست و شعارهای به ظاهر چپ و در واقع خدمتگزار - امپریالیسم پا بمیدان گذاشته و ضربات بس مملکی به جنبش فرود آوردند. بعد از سی خرداد و سخت شدن شرایط در همان اولین روزها

بقیه در صفحه ۱۲

هرچه گسترده‌تر باد اتحاد عمل نیروهای متوقی و انقلابی

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق
کارگران هوادار سازمان چریکهای فدایی خلق

اتحاد و همبستگی کارگران خامن پیروزی آنهاست

دوستان کارگر!

رژیم جمهوری اسلامی برای تامین مخارج جنگ و هزینه سرام آور ارگانهای سرکوب بطور مداوم بحقوق کارگران و زحمتکشان یورش میبرد هر روز به بهانه های بختی از دستزد ناچیز کارگران را بتاراج میبرد. يك روز سود ویژه را که قسمتی از دستزد کارگران میباشد به بهانه طلاغوتی بودن قطع میکند، روز دیگر به بهانه کمک به جبهه های جنگ بخشی از حقوق کارگران را کسر مینماید، و امروز بی شرمی را بجائی رسانده که میخواهد در شرکت ما (خامنیات) به بهانه طلاغوتی بودن جدول حقوقی مبلغ زیادی از دستزد کارگران را کم کند. همه این کارها در شرایطی انجام میشود که گرانی بیداد میکند و دستزدها حتی برای رفع نیازهای اولیه يك خانواده چهار نفره نیز تکان نمیکنند.

دوستان کارگر!

چرا رژیمی که ادعای دفاع از مستضعفین را دارد، بجای اضافه کردن دستزد ما، مبارزت به کم کردن آن به بهانه طلاغوتی بودن میکند؟ راستی سود حاصله از افزایش تولید (هفتاد میلیون نخ در روز) و افزایش محصولات کارخانه به چیست که کاشی ما رود؟ پاسخ سوالهای بالا اینست که رژیم جلال جمهوری اسلامی حامی سرمایه داران و تجار بزرگ بازار و دشمن سرخاست کارگران و زحمتکشان است.

کارگران مبارز!

منها راه نجات متحد شدن برای سرنگون کردن این رژیم ضد مردمی است. بپاخیزیم، در کمیته های بهائی اعتصاب متشکل شویم و رژیم جمهوری اسلامی را (همچون رژیم شاه) با برپائی اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه سرنگون سازیم.

انتخابات و انعکاس توده ها

رژیم حامی سرمایه داران در تدارک نمایش کمیدی انتخابات مجلس ارتجاعی است. توده ها آگاهند که عملکرد مجلس ارتجاعی طی چهار سال گذشته فقط بنفع سرمایه داران بوده است. جنگ ارتجاعی را بمنظور سرکوب و کشتار توده ها تأیید کرده است. فقر و فلاکت و آوارگی و سرکوب ارمغان قوانین مصوبه این مجلس ارتجاعی برای کارگران و زحمتکشان میباشد. ولی توده ها با شرکت نکردن در انتخابات فرمایشی مشت محکمی بدهان جلال خواهند زد.

کارگران و زحمتکشان مبارز!

بپاخیزید، مبارزات خود را متحد کنید و با سرنغونی رژیم جلال جمهوری اسلامی محاکمیت کارگران و زحمتکشان را برقرار سازید.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
کمیته کارگری - تهران

توده ها از جنگ ارتجاعی بیزارند

رژیم جلال سرمایه داران بمنظور سرکوب اعتراضات حق طلبانه کارگران و زحمتکشان، جنگ ارتجاعی را ادامه میدهد و میلیونها دلار از منابع مملکت را صرف خرید اسلحه از امپریالیست ها میکند.

توده ها از جنگ ارتجاعی بیزارند و با متحد کردن اعتراضات خود رژیم جنگ افروز جمهوری اسلامی را به زیاده دانی تاریخ خواهند فرستاد کارگران و زحمتکشان مبارز!

با تشکل در کمیته های مخفی اعتصاب در کارخانه ها و ادارات و کمیته های مخفی مقاومت در محلات، رژیم ددمنش جمهوری اسلامی را سرنگون

بقیه در صفحه ۱۰

مرگ بر خمینی جلال

رعایت ...

بقیه از صفحه ۶

است و نیز میکوشد ملل را با یکدیگر نزدیک و در آتیه آنها را بهم درآمیزد. ولی میخواهد باین هدف نه از راه اعمال قهر بلکه از راه اتحاد مطلقاً آزاد و برادرانه توده‌های کلیه ملل نائل آید.

این است راه حل پرولتاریا در مورد حل صحیح مسئله ملی و قائل شدن حق تعیین سرنوشت برای ملیت‌های تحت ستم. اما طرح بورژوا-رفرمیستی مجاهدین در مورد خودمختاری خود که نهایتاً به ایالات فدراتیو کشورهای سرمایه‌داری قرابت دارد چه میگوید؟

طرح اعلام میدارد که: این طرح در چهارچوب برنامه شورای ملی مقاومت و دولت موقت جمهوری دمکراتیک اسلامی ایران و وظایف مبرم دولت موقت قابل اجراء است و مشخصاً بر اساس ماده ۳ وظایف مبرم دولت موقت مبنی بر پایان دادن به جنگ ضد خلقی علیه مردم کردستان با اعلان خودمختاری در چهارچوب تمامیت ارضی ایران، کوشش برای محو آثار جنگ تنظیم و تمویب شده و رهنمون عمل آینده دولت موقت درباره خودمختاری کردستان خواهد بود.

هر آدم عاقلی که ذره‌ای شعور سیاسی داشته باشد درمی‌یابد که این طرح نه بر اساس رفع ستم ملی و برسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت برای ملیت کرد بلکه از روی منافع طبقاتی عناصری است که شورای ملی مقاومت را می‌سازند نوشته شده، این طرح نوشته شده است تا شاید در آینده بنی صدر دشمن مردم کرد با زهم بتواند رئیس‌جمهور باشد و بورژوا-های ملیت‌فارس، با زهم به ستمگری ملی ادامه دهند. این طرح بی‌انگه منافع بورژوازی فارس است که تمامیت ارضی ایران را برای استثمار هرچه بیشتر زحمتکشان ملیت‌های تحت ستم می‌خواهد. این طرح نوشته شده است تا کردها پا را از چهارچوب برنامه بورژوا-رفرمیستی شورا بیرون نگذارند و به جمهوری دمکراتیک خلق و رهبری طبقه کارگر که حق جدائی وی را برسمیت می‌شناسد روی نیاورد طرح نویسان با

فریبکاری مخصوص بورژواها پایان دادن جنگ را بر علیه خلق کرد وجه معامله قرار داده تا با اعلام این جملات به ظاهر انقلابی جلوه‌ی انقلاب توفنده پرولتری را که از هم اکنون درخشندگی سرخ پرچمها و پوتین‌های سرخ پرو-لتاریا نورافشانی میکند و نوید نابودی سرمایه‌داری را و رهایی کلیه ملل تحت ستم را میدهد و برای همیشه هرگونه امتیاز بر اساس نژاد و ملیت و فرهنگ و زبان و مذهب را نابود سازد مد کنند.

شورا از این قانون عام برای رفع ستم ملی که جدا شدن و یا پیوستن يك ملیت با سایر ملل تنها و فقط تنها در میان ملیت تحت ستم مطرح و حل خواهد شد، بی‌خبر نیست و عمداً تمامیت ارضی را چندین بار تکرار میکند از هم پاشیدن کشور آن کابوس وحشتناکی است که خرده بورژوازی ملیت ستمگر را از برسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت برای ملل تحت ستم پیوسته در هراس نگاه میدارد.

ملیت کرد مجاز است و آزادانه میتواند راه جدائی از سایر ملیت‌ها را در پیش گیرد یا به زندگی مسالمت آمیز با سایر خلق‌های ایران تحت رهبری پرولتاریا بپردازد. هیچ نیروئی نمی‌تواند این ابتدائی ترین حق يك ملیت را از وی تحت عناوین مختلف سلب سازد. پرولتاریا علاوه بر اینکه حق جدائی را به رسمیت می‌شناسد به تمامی ملیت‌ها پیشنهاد میکند که يك دولت، مقتدر پرولتری تشکیل دهند این دولت مقتدر نه تنها منطبق با منافع زحمتکشان ملیت‌ها هست بلکه پیشرفت اجتماعی و مبارزه با امپریالیسم را تسهیل می‌نماید.

این طرح برای مرعوب ساختن خلق کرد نان قندی نیز نوید میدهد:

ماده ۱۱ اینطور بیان میدارد: " دولت مرکزی در اجرای وظیفه خود مبنی بر تامین سریع پیشرفت و توسعه کلیه مناطق عقب افتاده کشور موظف است که از درآمدهای عمومی سهم بیشتری را به رفع عقب ماندگی بقیه در صفحه ۱۰

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست

رعایت ...

بقیه از صفحه ۹

منطقه خودمختار کردستان نیز تخصیص نهد. " این سهم بیشتر بخاطر چیست؟ بمنظور رفع عقب ماندگی منطقه خودمختار کردستان یا تطبیع خلق کرد برای پذیرش طرح؟ آیا خلق کرد مبارزه میکند تا چندر غازی بیشتر از سایر ملیتها بدست آورد؟

این وعده و وعیدهای رنک باخته بسورژوانی دیر وقت است که در میان خلق کرد کاربرد ندارد. مگر غیر اینست که آن کره‌های خودفروخته‌ای که (جاشها) برای چندر غاز سهم بیشتر مبارزه می‌کنند امروز در کنار ارتجاعیترین انسانهای روی زمین به سرکوب مبارزات برحق خلق کرد مشغولند. خلق کرد نه برای سهم بیشتر بلکه برای نابودی سهم بیشتر و امتیاز خاص یک ملیت مبارزه می‌کند. خلق کرد میداند که ملیت‌های تحت‌ستم ایران بویژه بلوچها در بدوی ترین شکل زندگی روزگار می‌گذرانند. ملیت کرد چگونه بعد از اینهمه مبارزات - شکوهمند حاضر است تطبیع نان قندی بنی‌صدر پخته شورای ملی مقاومت و رنک و روغن زده مجاهدین شود. و سایر خلقها چگونه میتوانند در مقابل این رشوه‌دهی‌های نابخردانه رهبرانی ساخت‌بمانند که دعوی عدالت دارند.

خلق بلوچ بعنوان یک خلق تحت‌ستم و هم‌رزم خلق کرد نه تنها این طرح را یک اقدام برابری طلبانه و مردمی نمی‌داند بلکه قاطعانه و شدیداً در مقابل هر طرحی را که از موضع واقعی حق تعیین سرنوشت برای تمام ملیت‌های تحت‌ستم نباشد، برسمیت نشناخته بلکه خواهد ایستاد. خلق بلوچ نه تنها پیوسته خود را در کنار زحمتکشان کرد میداند و از مبارزات عادلانه آنها در راه حق تعیین سرنوشت، دمکراسی و سوسیالیسم پشتیبانی بعمل می‌آورد بلکه هرگونه امتیازی را برای هر ملیتی محکوم میداند. شورای ملی مقاومت نیک بداند آلت‌رناتیو آنها با این طرحها در میان هیچیک از ملل تحت‌ستم مقبولیتی نخواهد داشت. خلق بلوچ آن طرح را اصولی

و عادلانه میداند که حق تعیین سرنوشت را از سوی ملیتها عملی بداند. ملیت بلوچ به سایر ملیت‌های ایران پیشنهاد میکند تا رژیم سرمایه‌داری وابسته ایران در هم شکسته شود. و از اتحاد آزاد و داوطلبانه آنها تحت هژمونی پرولتاریای ایران یک دولت مقتدر و قدرتمند ضدامپریالیستی و دمکراتیک (دیکتاتوری کارگران و دهقانان) بوجود آید. و این دولت به رعایت حقوق برابر ملیت‌های ایران پای بند باشد.

XXXXXXXXXXXXX
XXXXXXXXXXXXX

اخبار ... بقیه از صفحه ۸

ساخته و به جنگ ارتجاعی پایان دهید.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
پیروز باد مبارزات کارگران و زحمتکشان
برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق
سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران
کمیته کارگری - تهران

XXXXXXXXXXXXX
XXXXXXXXXXXXX

با ارسال کمک‌های مالی
خود
سازمان چریک‌های فدائی
خلق ایران را در پیشبرد
امرانقلاب یاری
رسانید

ضمیمه خبری کار
مشرشد

قیام شکوهند... بقیه از صفحه ۱

در پیشاپیش آنها سازمان چریکهای فدائی خلق به رادیکال نمودن جنبش همت بسته بود، اما ناکافی بود و میتوان گفت در این زمان جنبش چپ دچار ضعف و اختیاب بود، رهبری ناسالم و بجای مانده از قرون وسطی و پیوسیده جنبش با شیادی تمام و آزادی جوئی پیچیده در زور و ق امپریالیستها، و احاطه شده قطب زاده و بنی صدر و سایر لیبرالها از رادیکال شدن جنبش وحشت داشت بیخود نبود که خمینی فریاد میزند شاه باید برود والا از دست ما هم در می رود، در پس جملات خمینی حقایق بزرگی نهفته بود. وحشت از چپ، وحشت از شبه که ونیس، وحشت از آن چیزی که تمام سرمایه داران و صاحبان وسائل تولید در هر اسی دائم بر میبرند، قیام پیروز شده، اما برای انقلاب دردناک بود، قیام پیروز شده، اما برای زحمتکشان ناگوار بود. به هنگامی که توده های رها شده از زنجیر و در - پیشاپیش آنها فدائیان به کشودن درب زندانها و درهم نوردیدن میله های پادگانها مشغول بود ند، سران خیانتکار خرده بورژوازی سنتی و بورژوازی متوسط وابسته به قدرت میخیزدند و با امپریالیستها به بندوبست و باز من مشغول بودند. آنها از قیام وحشت داشتند، از اعمال قهر انقلابی میهراسیدند توده ها را منع مینمودند، خمینی ضد بشر اعلام داشت هنوز فرمان جهاد نداده ام، بازرگان انتظار سیل داشت طوفان آمد. اما زحمتکشان فرمان خود را دریافت داشته بودند، فرمان آنها نابودی ظلم، دیکتاتوری، اختناق و وابستگی، و نابودی سرمایه داری بود، هدف انقلاب برقراری دمکراسی پرولتری تشکیل دولت کارگران و زحمت کشان، استقلال، و محترم شمردن حق تعیین سرنوشت بود. خرده بورژوازی سنتی خواهان حفظ وضعیت موجود بود از اینکه آنچه را بکف آورده است از دست بدهد، نگران بسوی بورژوازی روان گشت. پرولتاریا گرچه با مطرح نمودن مسائل خود یا بمیدان مبارزه گذاشت، اما به دلیل ضعف سیاسی و تشکیلاتی و قوی بودن موج خرده بورژوازی نتوانست اعمال همونی کند

بقیه در صفحه ۱۲

سیاهکل... بقیه از صفحه ۱

خیانت بار آن وظیفه زدودن بی اعتمادی به چپ را از تاریخ دریافت داشتند و آنها همراه با سازش ناپذیری و سرخستی بر علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا برای رهایی طبقه کارگر و سایر زحمتکشان و قطعیت بخشیدن به انقلاب پیوسته فرا راه خود دارند. حماسه سیاهکل که تشکیل فعال و رزمنده سازمان چریکهای فدائی خلق را در پی داشت نقطه عطف جنبش کمونیستی نوین محسوب میشود چرا که همراه خود اصول انقلابی را آورد که بلشویکها در روسیه، کمونیستها ویتنام و انقلابیون کوبا تجربه کرده بودند و تاریخ صحت آنها تأیید نموده بود. و بدون آن هرگز موجودیت امروزین بزرگترین سازمان و سرخست ترین مبارز راه سوسیالیسم یعنی سازمان چریکهای فدائی خلق ممکن نبود.

سازمان چریکهای فدائی خلق در طول حیات خود از نقاط بحرانی بسیاری گذر کرده و پیوسته سربلند و با تجربه اندوزی بیرون آمده است، نه انتماب اکثریت خائن، نه ضربات رژیم رسوای جمهوری اسلامی و نه جدائی یاران نیمه راه و نه خیانت عناصر جاسوس و مجاهدزده مانند مهدی سامع و نه ترور تسکینتها هیچکدام قادر نشدند سازمان چریکهای فدائی خلق را از راهی که در پیش دارد لحظه ای باز دارند. آتشی که رفقای فدائی در سیاهکل افروختند مجاودان خواهد ماند، گرچه در آن روز رفقای ما یک گروه کوچک بودند اما امروز فدائی به دریای کارگران و زحمتکشان رسیده است.

جنبش مسلحانه با تمام کمی و کاستی های خود و انحرافات که دارد در آن روزگاران سیاه تا جایی که جنبه تبلیغی و شکست پذیری سرمایه داری را نوید میداد امری ضروری و درست بود. و توانست جنبش کمونیستی را با کامپانی محکمی به جلو و پویائی سوق دهد.

بسیار سپاس

پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلفهای ایران

قیام شکوهمند ...

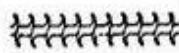
بقیه از صفحه ۱۱

قیام ...

بقیه از صفحه ۷

انقلاب شکوهمند مردم در نیمه راه متوقف ماند
چرا که رژیم بورژوازی روی کار آمد که نه
تنها نتوانست بحران عمیق اقتصادی را که
موجب سرنگونی رژیم شاه شده بود رونق بخشد
بلکه قادر نبود خود را تثبیت نماید. توده‌های
مردم با قدرت خود مواضعی را بدست آوردند،
کارگران در کارخانه شورا زدند، دانش‌آموزان
و دانش‌جویان و سایر اقشار روشنفکری و کار-
مندان امتیازاتی صنفی بدست آوردند، دهقانان
شورا زدند، ترکمن‌ها راه کشت شورائی و مصادره
زمینهای فئودالها را در پیش گرفتند، خلص
کرت حق تعیین سرنوشت خویش را میخواست،
سرمایه‌داران بازسازی نظام ضربه خورده را خوا-
ستار بودند، کشاکش میان دو نیرو، نیروی
انقلاب کارگران و زحمتکشان شهر و روستا
و نیروی ضد انقلاب سرمایه‌داران و حاکمیت
جدیدشان. همین کشاکش همچنان ادامه دارد علی-
الرغم اینکه ولیعهد واقعی شاه یعنی خمینی
و داروخته جلالتش با مهمل ایدئولوژییک
ولایت فقیه در واقع پاسداران سرمایه بعد
از سنی خرداد بمنظور درهم کوفتن انقلاب حمله
مغول‌واری را بر سازمانهای سیاسی آغاز نمود
ند، هفتی موقتی در حرکت و خیزش‌های توده‌ای
روی داده‌ما انقلاب همچنان ادامه دارد، بعد
از اتمام سال شصت و آغاز ۶۱ تاکنون جنبش
ادامه داشته است تاکنون چندین مورد اعتصاب
کارگری و دهقانی و اعتراضات روشنفکری و نظا-
می وجود داشته است، با تمام مجموعه دلایلی
که وجود دارد وقوع یک قیام محتمل است و
سرنگونی رژیم خمینی ناگزیر.

بدنبال تلاشی کاخ پیکار، پیکاریهای بلشویک!
و پرستوهای انقلاب! نیز متحل گشتند، نبرد
بلوچ از حرکت باز ایستاد و شاخه بلوچستان
سازمان پیکار نیز شکاف برداشت و روی پاهایش
فرو ریخت.
از میان توده‌های سرسخت و مقاوم هواداران
ن سازمان چریکهای فدائی خلق، ناخالصیها
پاک گردیدند، عناصر متزلزل و ناپیدگیر یکی
پس از دیگری سنگر مبارزه را ترک نمودند،
بامی‌استار بار دیگر بعد از یک درس‌گیری
جدی بکار مجدد پرداخته و بار دیگر ما
هواداران سازمان رزمنده چریکهای فدائی
خلق با خلق در بند خود عهد می‌بندیم که تا
طلوع صبح سپید آزادی و برقراری سوسیالیسم
دمی از حرکت باز نایستیم. ما از تجربیات
قیام درس گرفته و تا حد توانمان اجازه نخوا-
هیم داد که نیروهای غیر پرولتری پتانسیل
انقلابی زحمتکشان کشورمان و سوی مبارزات آنها
را تغییر داده بسوی آلترناتیو حکومتی مد
نظر خود رهنمون شوند. ما مبلغین جمهوری
دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر خواستار
تحقق بخشیدن رهبری پرولتری در انقلاب و قیام
آینده هستیم.



برنامه عمل

سازمان چریکهای

فدایی خلق ایران را بخوانید!

ریگای گهل

را بخوانید

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران است

زندان اعدام نمودند، وی را نیز از اعدام می ترسانند، اما رفیق با خلق خود عهد بسته بود که در زندان نیز مبارزه را به پیش ببرد. پیوسته به زندانیان روحیه میداد آنها را از تسلیم شدن باز میداشت. مقاومت و شجاعت رفیق برای تمام زندانیان سرمشق شده بود. زندانیان هر چه درد داشتند با شنیدن سخنان رفیق از بلد میبردند گوئی از حرفهای رفیق نیرو میگیرند، و در مقابل درخیمان مقاوم میشوند.

پاسداران با و قول داده بودند فقط یکسی از رفقاییش را لو بدهد تا آزاد شود اما در جواب به آنها میگفت این آرزو را بگور ببرید، بالاترین حربه شما اعدام است بس چرا معطلید، فدائی هرگز به خلق و رفقاییش خیانت نمیکند، شکنجههای قرون وسطائی رژیم در روحیه بالای رفیق بی تاثیر بود، گویی این شلاق و شکنجه به صخره میخورد، او کوه بود سرسخت و مقاوم. سبیل انسان نوین با ایمان و اراده محکم و استوار. از بس آزارش داده بودند جز پوست و استخوان برایش باقی نمانده بود، بالاخره در حرگاه ۲۳ دی ماه ۱۳۶۱ به جوخه اعدامش سپردند.

به شهادت همزمان زندانیانش اعدام با روحیه شاداب و فوق العاده لبخند پیروزی بر لب با یکایک زندانیان سیاسی وداع گفت. گوئی به مقصودش رسیده است، گوئی به حجله میروند، گوئی بسوی کشتارگاه نمیروند، گوئی ...

تشییع جنازه رفیق هرچه با شکوه تر در روستای محل تولدش انجام گرفت، هزاران نفر به وداعش رفتند، میل خروشان مردم آنچنان بود که موجب وحشت رژیم گردید. بهمین دلیل هم جاسوسان اکثریتی را مأمور نموده بودند تا از چگونگی گزارش تهیه کنند. زحمتکشان در لشار از توابع ایران شهر، تربت (در بلوچستان پاکستان)، کراچی، دبی، بحرین نیز با برگزاری مجالس یاد رفیق را گرامی داشتند.

بار دیگر ما هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق در بلوچستان و سیستان عهد میبندیم که چنان وی شجاع، مقاوم، سرسخت و هوشیار برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق استوار حرکت کنیم.

ایدئولوژی - ل مسلح گشت و در ارتباط با جوانانی که به خط سرخ فدائی روی آورده بودند قرار گرفت. فعالیت خفیه گسترده ای را برای آگاه سازی همراه سایر هواداران آغاز کرد محل خدمت نامبرده در این مدت در فنوج یکی از روستاهای ایران شهر بود و چون وجوش برای مسئولین جمهوری اسلامی در این مدرسه پرمخاطره بود وی را به ایران شهر انتقال دادند تا از نزدیک کنترلش کنند.

رفیق یکبار در سال ۵۸ دستگیر و زندانی گردید اما تحت اعتراضات شدید و اعتصابات گسترده دانش آموزان سرنا سر بلوچستان رژیم جمهوری اسلامی و ادار گردید تا رفیق را رها کند. بهمت رفیق و فعالیتهای گسترده وی انتخابات باقانون اساسی جمهوری اسلامی در منطقه قمرقند تحریم گردید.

در آن زمان رژیم ضد انقلابی امنیت منطقه را به خوانین واگذار کرده بود و میرمولاداد - خائن و جاسوس شاه و خان ضد انقلاب منطقه به رژیم اطمینان داده بود که انتخابات را بپوشاند. رفیق با افشاگری طرح ارتجاعی انتخابات جمهوری اسلامی مستقیماً روی در روی خان ضد انقلاب قرار گرفت. برادرزاده خائن میرمولاداد، رستم سردار زهی به روی رفیق اسلحه کشید، اما بزودی متوجه حرکت زشت خود گردید، موش کثیف میدانست با چه کسی طرف است. بالاخره انتخابات برگزار نشد و توده ها آنرا تحریم نمودند.

رفیق در تشکیلات هواداران سیستان و بلوچستان بخش ایران شهر به فعالیت انقلابی مشغول بود جز اولین معلمینی بود که رژیم وجوش را در مدارس تحمل نکرد و وی را پاک سازی نمود.

بالاخره در تیرماه ۱۳۶۰ دستگیر گردید. با اینکه در همان اولین روزهای دستگیریش شدیداً مورد شکنجه قرار گرفت اما لب از لب نکشود. رفیق همزمش خسرو مبارکی را در همان

زندانانی سیاسی به قدرت توده ها آزاد باید گردد

هر شب ستاره‌های بزمین
می‌کشند و
باز این آسمان غمزده
شرق ستاره‌هاست



گرامی باد خاطره — سرخ فدائی شهید
رفیق شفی محمد زین الدینی

دمکراتیک خلق

رفیق زین الدینی در سال ۱۳۲۸ چشم بدنیا
گشود. زندگی او سرشار از رنج و مصدقیت مانند
زندگی سایر بلوچها بود. دوران دبستان را در
زادگاهش قصرقند و دبیرستان را زاهدان و چاه
بهار گذراند. بالاخره موفق شد دانشرانی
مقدماتی را بپایان برساند. و بعنوان معلم
در چاه‌بهار شروع بکار کند. رفیق در همان
دوران شاه پیوسته با مسئولین آموزش و پرورش
درگیری داشت از دهی به ده دیگر تبعید میگشت
اما در اندک مدتی با خصائل بارز انسانی
که داشت مورد اعتماد توده‌های زحمتکش
بلوچ و الگوی دانش آموزان قرار گرفت. در سال
۵۶ شیدا تحت تاثیر حرکت‌های آغاز شده علیه
رژیم شاهنشاهی قرار گرفت. در سال ۵۷ به
بقیه در صفحه ۱۳

چهره تکیده دیوار خانه‌های ایرانشهر
هنوز مزین به شماره‌هایی است که رفیق شهید
زین الدینی با خط زیبا و تبحر و جارت‌خاص
خوش نوشته است. وقتی رفیق رنگ فشاری را
فشار میداد با تمام وجودش زمزمه می‌کرد:
مرگ بر سرمایه‌داری وابسته - مرگ بر امپریا -
لیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا -
مرگ بر جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری

همینی چکپوش بیت

گروپ دُ بَرگ دُ وارن
بازهنی چه سرمجاران
چه بزگانی بیل دُ پاران
اچ ملک دُ هَنَدُ جاهاں
دُرُنه دُرُدُ جلاپنت
بلے او!
زالمانی بھشوگ
او همینی بے هبا دُ اَزت
سردان
نه چه باهو دُ سزاها
نه چه ملک دُ دوری دُ جلاها
بھم ایش بھت همچبر
همچبر!
بلے او!
زالمانی سَتر
اگان هظر ماں جهان دُ ؟!
او تزار ماں روس دُ ؟!
اگان بانہستا ماں کوبا ؟!
او امریکا ماں ویتنام ؟!؟!

زلم دُ جهان دُ پاسدار
یک بَرگ دُ جنے گدسے
چه زالمان جهان دُ
بَرگ سرائی کون گوازاں
کون همینی دُ ترازان
کون پاسدار دُ بے هبائیں
کہ جو شکا ری کون شکاؤ
ہے جو کساپ دُ کارج ماں دسے
اوشتاگ دُ تھارانت
کاری انت توازه
ماں باهو دُ کید دُ ہنداں
پروشگ دُ لُٹ دُ کھان
کون استرہان سوگ
ہونز دُ دھانی دوگ
او
ہزاران سزا دُ گے
آشہاں بے دیک بے
اچ اے زالمان بکساہن

بیا بے او بیل دُ پاران
دنہا نسر مجاران
اے زالمان بجار اے
کون ایران دُ !
چے کنان انت
اگان چه جهان دُ مرجی
ماں امپریالیسم مُلکان
گرمیاں بے زلم دُ زور انت
اگان چه جهان تھار دُ
ہنچو کہ سیاہ شپکانے
بلے اے دنز دُ شک دُ سیاہی
اے بے کومس تھاری
اے رنج دُ درد دُ کاری
پزنگ ماں ایران
اگان سنگتان دُ بیلان
ملا دُ بہرین ہنبار
همینی ہوک کردار
راج دُ ملک دُ گدار

جاودان باد خاطره همه شهید ای بخون خفته خلق

در پروسه قیام، به شدت فعال بود و در اعتصاب معلمین بخش جالق در زمان شاه یکی از سازماندهندگان اصلی بود. در راهپیماییهای دانش‌آموزان حضور داشت، هرچند مبارزه‌ای بود سرو کله صمد پیدا میشد. چه در زاهدان چه در ایران‌شهر و چه در سراوان هجرتی نمی‌شناخت. بعد از پیروزی قیام و سرنگون شدن رژیم شاه همچنان سرخت و مقاوم به دفاع از دستاوردهای انقلاب پرداخت. در ۲۲ بهمن ماه جوانان توانسته بودند امنیت شهر سراوان را در دست بگیرند و صمد یکی از فعالین بود. در اعتصاب و تحصن دوم معلمین سراوان نقش فعال و ارزنده‌ای داشت، از اولین معلمینی بود که پاکسازی شد.

در کارهای تشکیلاتی پشتکار فراوانی از خود نشان میداد. در مقطع انشعاب اکثریت از سازمان به ترویج و تبلیغ نظرات سازمان پرداخت و قاطعانه از خط مشی انقلابی به دفاع پرداخت. بعنوان یکی از مسئولین هسته مرکزی شهرستان سراوان انجام وظیفه می‌نمود. بعد از سی خرداد به گروههای مسلحانه گروید از این زمان است که صمد استعدادهای خود را در رابطه با کار توده‌ای نشان میدهد. صمد هجرتی نمی‌شناخت، پیوسته در حال فعالیت و فعالیت و فعالیت بود. مسئول یکی از گروههای مسلح گردید.

صمد فدائی بود. یک فدائی جانباز و فداکار با پشتکار لایق فدائی خلق صمد مبارز واقعی راه سوسیالیسم با تمام وجودش به سازمان چریکهای فدائی خلق و راه سرخ آن اعتقاد داشت. در مثل تشکیلاتی خیلی قاطع و بدون گنجهت بود. در مقطع انشعاب اکثریت، برخوردی شایسته به مسائل نشان داد بطوریکه به همت وی و سایر رفقای در سراوان حتی یک تن بسوی اکثریت گرایش پیدا نکرد در برخورد به عده‌ای که در سراوان پیکاری شده بودند، در بر ملا نمودن اندیشه‌های ارتجاعی آنان مبنی بر امپریالیست بودن شوروی همت گماشت، از دو فکر انحرافی حزب توده، سو سه جهانی‌های شرمگین به شدت متنفر بود و با هردوی آنها مبارزه میکرد.

اصل انتقاد از خود و سایرین را به نحوی استادانه بکار میبرد کوچکترین اشتباهات رفا را زیر ضرب میگرفت و از خود نیز به شدت انتقاد میکرد. بر بستر خصایل فوق العاده انقلابی بود که از خود خلاقیت و ابتکارهای فوق العاده‌ای نشان میداد.

سخت‌ترین ماموریت‌های تشکیلاتی را خیلی ساده انجام میداد بطوریکه موجب مباهات و تعجب سایرین میگشت، از آنچه بیگانه بوده‌نا توانی بود. او همیشه در حال سازندگی خود و دیگران بود، پیوسته مطالعه میکرد، پیوسته عمل میکرد، پیوسته یاد میگرفت و یاد میداد.

در خرداد ماه ۶۲ در پی یک ماموریت تشکیلاتی در زاهدان دستگیر گردید و بعد از ۸ ماه تحمل شدیدترین شکنجه‌ها در ۱۳ بهمن ماه ۶۲ اعدام گردید و پیکر مقدس از زاهدان به سراوان انتقال داده شد. سراوان از خبر اعدام صمد به غم نشست، توده‌ها سوگوار شده بودند، با اینکه پاسداران از تشییع جنازه وی مانع بعمل آوردند، اما هزاران نفر برای احترام به شهید خلق برای تشییع جنازه آمده بودند.



گرامی باد خاطره سرخ فدایی شهید رفیق صمد حسین زهی

در سال ۱۳۲۷ در يك خانواده زحمتکش در سراوان بدنيا آمده پدر وی خدمتگزار ساده مدرسه بود ، دوران کودکی او به سختی گذشت و مشکلات زندگی و مصائب ناشی از تضاد شیوه زندگی خانواده اش بسا صاحبان مناصب بخوبی احساس میکرد. بهمین جهت بهیچ رو این چنین زندگی را نمی توانست قبول کند که عده ای در رفاه کامل و عده ای از داشتن سرپناه مناسب بی بهره باشند. در کارهای خانوادگی همکاری فوق العاده ای داشت و از خود مسئولیت فراوان نشان میداد در نوجوانی علاوه بر سختی های زندگی مصیبت دیگری بر وی وارد شد و مادرش بدرود حیات گفت ، اما وظیفه اش بیشتر گردید و آنرا به نحو شایسته ای انجام داد. بالاخره از دانشسرای عالی مقدماتی زاهدان فارغ التحصیل گردید و بعنوان معلم در دورترین روستاهای سراوان به پرورش نوباوگان بلوچ مشغول گشت .

در سال ۵۵ وقتی دانش آموزان سرابوده در ارتباط با دانشجویان قرار گرفت و به اندیشه های مترقی روی آورد ، تنفیری شدید از رژیم شاه و مزدوران ساوا کیش بدل داشت ، از اولین کسانی بود که اندیشه مارکسیسم - لنینیسم را بعنوان علم رهائی طبقه کارگر پذیرفت و از همان اولین روزهای پذیرش آنرا بشدت بکار گرفت ، در پروژه قیام و در جریان ت روشنفکری در بلوچستان شرکت جست از آنجمله میتوان کمک و همکاری شدید با گروهی که به منظور پیشبرد آگاهی در بلوچستان تشکیل شده بود ، به تهیه و توزیع کتابهای مترقی پرداخت .

در سال ۵۷ يك کتابفروشی در سراوان افتتاح گردید و صمد از فعالین آن بود . صمد علاقه شدیدی به صمد بهرنگی و کتابهایش داشت همیشه چند تانی از کتابهایش را با خود داشت و به افراد علاقه مند میداد . در یورش ارتجاع به کتابفروشی سراوان او بشدت از آن دفاع نمود ، با اینکه زخمی گردید ولی مانع به آتش کشیده شدن کتابفروشی گردید .

در سال ۵۶ با سازمان چریکهای فدائی خلق آشنا گردید و هوادار سرسخت آن شد ، صمد از همان روزهای پذیرش خط مشی سازمان تا آخر عمر پرافتخارش سرسختانه از این خط سرخ دفاع نمود و بالاخره جان خود را در این راه از دست داد .